

بررسی تناسبات درونی سوره نازعات

فرزانه میرزارسولی^۱، شهین قهرمان ایزدی^۲، فاطمه علایی رحمانی^۳

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۱۲/۱۹ - تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۶/۳۰)

چکیده

تناسب میان آیات یک سوره بر مبنای غرض واحد، از ابعاد علم تناسب است. با توجه به این که سوره نازعات نخست با قسم‌های مؤکدی به فرشتگان شروع می‌شود، سپس به قسمتی از مناظر هول‌انگیز قیامت اشاره می‌نماید و در ادامه اشاره کوتاه و گذرایی به داستان موسی (ع) و سرنوشت فرعون طغیانگر دارد، سپس به نمونه‌هایی از مظاهر قدرت خداوند در آسمان و زمین تصریح می‌کند؛ براساس این آشفتگی ظاهری موضوعی در سوره نازعات، ضرورت دارد تناسب و محور این سوره مورد بازشناسی قرار گیرد. لذا پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی ابتدا غرض سوره را با روش فحوای کلام سوره تعیین می‌کند، سپس به بررسی تناسب میان آیات سوره نازعات با محوریت غرض آن پرداخته است و نشان می‌دهد که آیات این سوره با محوریت غرض آن دارای وحدت موضوعی می‌باشد که می‌توان آن را به دو صورت نمودار درختی و محتوایی به تصویر کشاند.

کلید واژه‌ها: آیه، تناسب، ساختار هندسی، سوره نازعات، قرآن.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد واحد جنوب، (نویسنده مسئول)؛

Email: mirzarasouli9124395576@gmail.com

Email: ghahraman37@yahoo.com

Email: ahaeefatemeh@yahoo.com

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء؛

۳. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء؛

۱. مقدمه

پیوستگی و انسجام متن قرآن علت کنار هم واقع شدن آیات یک سوره به شمار می‌آید. این تناسب در میان آیات قرآن از جمله مسائل مطرح در رابطه با سُور قرآن است، به گونه‌ای که برخی این همنشینی را بی‌رابطه دانسته و قرآن را کتابی از هم‌گسیخته و فاقد ارتباط منطقی برشمرده‌اند [نک: ۹، ص ۳۰۱]؛ از این رو، اندیشمندان علوم قرآن برای پاسخ به چنین ادعایی از علم تناسب بهره‌مند شده‌اند [نک: ۱۹، ج ۱، ص ۱۳۰؛ ۲۱، ج ۲، ص ۲۱۶]. تناسب به دو دسته کلی تناسب درون سوره‌ای و برون سوره‌ای قابل تقسیم است که از دیر باز مورد توجه قرآن‌پژوهان بوده است و با گذشت زمان به نظریه ساختار هندسی سور تبدیل شده است [۱۳، ص ۱۳]. ساختار هندسی سور بر مبنای تناسب آیات یک سوره با محوریت غرض آن سوره است که وحدت موضوعی هر سوره را در معرض نمایش می‌گذارد و ادعای گسستگی قرآن را باطل می‌کند. این مقاله، سوره نازعات را به عنوان یکی از سور قرآن از حیث وحدت موضوعی مورد بررسی قرار می‌دهد، لذا سؤال اصلی مطرح در آن عبارت است از: ارتباط میان فرازها و آیات سوره نازعات با محوریت غرض آن چگونه است؟

به دلیل کیفی بودن پژوهش، روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی است و ابزار گردآوری به روش کتابخانه‌ای است که بیشتر از منابع تفسیر و علوم قرآن استفاده شده است. گفتنی است به لحاظ روشی، پژوهش حاضر از کتاب «ساختار هندسی سور قرآن با در آمدی بر تفسیر ساختاری قرآن» مدد گرفته است.

غرض از انجام این مقاله تبیین بخشی از اعجاز لفظی و معنوی قرآن و پاسخ دادن به شبهات برخی مستشرقان در رابطه با عدم ارتباط میان آیات یک سوره است که این ارتباط به عنوان مصداق در آیات سوره نازعات مورد بررسی قرار گرفته است.

۲. پیشینه مقاله

در زمینه پیشینه ساختار هندسی سور قرآن نگارش‌هایی صورت گرفته، از جمله: قاسم، جعفری، ۱۳۹۳، "بررسی ساختار هندسی سور مسبحات قرآن"، این پایان‌نامه تناسب مجموعه‌ای از سور متشابه در آیات نخستین سور مسبحات که مشتمل بر تسبیح الهی است را مورد بررسی قرار داده است.

فهیمه، گرجی، ۱۳۸۷، "نقد و بررسی ساختار هندسی سوره‌ها با محوریت سوره"

محمد (ص)"، پایان نامه به رشته تحریر در آمده؛ مشتمل بر سه فصل می باشد که در فصل سوم نمودار درختی سوره و مفردات آن ترسیم گردیده است. وجه متمایز پژوهش حاضر با پایان نامه های مذکور در مصداق سوره است. خامه گر، محمد، ۱۳۸۶، "ساختار هندسی سوره های قرآن در آمدی بر تفسیر ساختاری قرآن"؛ این کتاب مشتمل بر پنج گفتار می باشد. گفتار نخست آن تحت عنوان رویکرد جامع گرایانه به معنای سوره ها است، که در قسمت نخست آن معنا و مفهوم ساختار هندسی سوره ها را مطرح کرده و به این سؤال ها پاسخ داده است که: آیا ساختار هندسی تمام سوره ها قابل ترسیم است یا این امر فقط در رابطه با سوره های کوچک مصداق دارد؟ آیا سوره های قرآن به مثابه فصل های آن است؟ در قسمت دوم این گفتار، نخست پی آمدها و کارکردهای ساختار هندسی سوره های قرآن را بیان نموده و تا ده کارکرد برای آن شمارش کرده است که برخی از آن ها عبارت است از: کشف افق های جدید در اعجاز قرآن کریم، مقابله با شبهه افکنی های خاورشناسان، دفاع از اصول اعتقادی شیعه و ... در قسمت آخر این گفتار، گزارشی از تلاش های قرآن پژوهان در بررسی ساختاری سوره ها را فراهم آورده است. گفتار دوم این کتاب تحت عنوان ساختار هندسی در بوتۀ نقد و نظر می باشد که دلایل مخالفان و موافقان ساختار هندسی را بیان نموده است. گفتار سوم، چهارم و پنجم آن نیز به ترتیب تحت عنوان های: روش های کشف اهداف و مقاصد سوره ها، چالش های کشف اهداف سوره ها و گزارشی از سبک های نمایشی ساختار سوره ها می باشند. این کتاب به عنوان الگویی در کشف غرض سوره و ارائه ساختار هندسی در دو وجه نمودار درختی و محتوایی برای مقاله پیش رو مورد استفاده واقع شده است. کتاب مذکور اعم از پژوهش حاضر است که در آن مفاهیم مرتبط با ساختار هندسی مطرح گردیده و برای هر مفهوم، سوره ای به عنوان نمونه مطرح نموده است؛ اما این پژوهش اخص از کتاب است و مبحث ساختار هندسی را به طور اخص و بسیط در مورد سوره نازعات بررسی نموده است.

۳- مفهوم شناسی تناسب و ساختار هندسی

مفاهیم کاربردی در این مقاله تناسب و ساختار هندسی است که پیش از ورود به بررسی تناسب سوره نازعات لازم است هر کدام تبیین گردد.

۳-۱. **تناسب:** علم تناسب از دیر باز میان اندیشمندان علوم قرآن مطرح بوده است که ره گشای شبهات وارده از جانب مستشرقان در زمینه گسستگی مباحث قرآن است. این واژه در لغت به معنای هم‌شکلی [۳۱، ج ۷، ص ۷۱]، نزدیکی [نک: ۳، ج ۱، ص ۷۵۵؛ ۱۵، ص ۱] و در اصطلاح علوم قرآن به معنای ارتباط میان موضوعات یک آیه و ارتباط پیوند دو یا چند آیه با هم و ارتباط یک سوره با سوره‌های دیگر است [۱۹، ج ۱، ص ۱۳۱؛ نیز نک: ۲۱، ج ۲، ص ۲۳۸؛ ۳۷، ص ۵۸]. این علم از پیوستگی‌های ممکن میان موضوعات قرآن به شکل‌های گوناگون آن سخن می‌گوید و پیوندهای پنهان آن را به تصویر می‌کشد [۴، ص ۱۶].

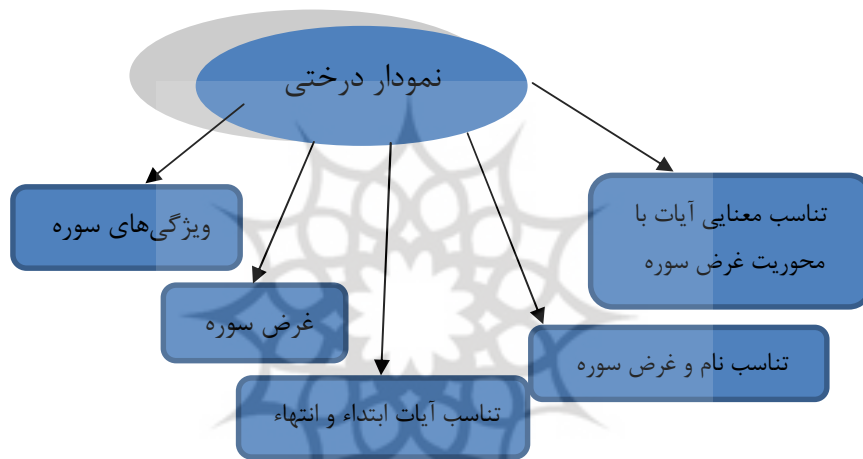
۳-۲. **ساختار هندسی:** قرآن به مجموعه‌هایی به تعداد ۱۱۴ سوره تقسیم می‌شود و هر سوره نیز به اجزاء کوچک‌تری با عنوان آیه تقسیم می‌گردد که هر سوره با سوره دیگر در تعداد آیه متفاوت است. دانشمندان با تلاش مستمر در زمینه علم تناسب به این امر دست یافتند که هر سوره غرضی را دنبال می‌کند و مجموعه آیات آن سوره با محوریت غرض آن متناسب هستند [۴۰، ص ۲۴۱؛ ۴۱، ص ۱۸]؛ به عبارتی آیات یک سوره همچون خطوط پراکنده و بی‌نظمی نیستند که هیچ‌گونه ارتباط ساختاری میان آن‌ها وجود نداشته باشد، بلکه این خطوط به ظاهر پراکنده، از یک ارتباط منظم هندسی برخوردارند که از آن با عنوان ساختار هندسی یاد می‌شود [۱۳، ص ۱]. در تعریف سوره آورده‌اند که یک مجموعه واحد است که از حیث غرض و لحن آیات از کمیت و کیفیت خاصی پیروی می‌نماید. وحدت جامعی میان آیات یک سوره موجود است که این انسجام، خصوصیت تمام سور قرآن اعم از بلند و کوتاه به شمار می‌آید. هر سوره فی حد ذاته به منظور غرضی و برای تأمین آن نازل گردیده که آن غرض معیار و عاملی برای گردآوری مجموعه‌ای از آیات در یک سوره و مجموعه‌ای دیگر در سوره دیگر است [۴۰، ص ۲۴۱؛ ۴۱، ص ۱۸]. این هماهنگی و انسجام آیات یک سوره، بر اساس غرض آن، ساختار هندسی سوره به شمار می‌آید [۱۳، ص ۱۳؛ ۳۲، ص ۲۵]. شحاته از ساختار هندسی سوره‌های قرآن با عنوان «وحدت موضوعی» یاد نموده است [نک: ۲۴، ص ۲۷]. سید قطب در مورد ترسیم وحدت جامع و روح کلی هر سوره بر این باور است که «از جمله هماهنگی‌های هنری در قرآن، تسلسل معنوی موجود بین اغراض و بخش آیات و تناسب آن‌ها در امر انتقال از غرضی به غرض دیگر است» [۲۳، ص ۲۷].

۴- ساختار هندسی سوره نازعات

ساختار هندسی سوره نازعات به عبارتی تناسب آیات سوره نازعات با غرضش است که در این مقاله به دو صورت نمودار درختی و نمودار محتوایی ترسیم گردیده است.

۴-۱ نمودار درختی سوره نازعات

نمودار درختی سوره نازعات به اجزاء متعددی تقسیم می‌شود که عبارت است از: ویژگی‌های سوره، غرض سوره، تناسب نام و غرض سوره، تناسب آیات ابتدایی و انتهایی با محوریت غرض سوره و تناسب معنایی آیات با محوریت غرض سوره.



۴-۱-۱ ویژگی‌های سوره نازعات

از ویژگی‌های سوره نازعات می‌توان به ترتیب کنونی آن در قرآن از حیث فیزیکی، ترتیب نزول، سور قبل و بعد، مکی یا مدنی بودن و تعداد آیات، کلمات و حروف آن اشاره نمود. این سوره هفتاد و نهمین سوره بنابر ترتیب قرآن کنونی است و جایگاه آن بنابر ترتیب نزول هشتاد و یکمین سوره بعد از سوره "نبأ" [۱۷، ج ۵۲، ص ۸۲] و قبل از سوره "انفطار" است [۴۴، ص ۸۹]. در شمارش کوفی چهل و شش و در غیر کوفی چهل و پنج آیه است؛ این اختلاف بدان جهت است که در شمارش کوفی "وَلِأَنْعَامِكُمْ" به تنهایی یک آیه است و در شمارش دیگران، مجموع "مَتَاعاً لَكُمْ وَ لِأَنْعَامِكُمْ" یک آیه می‌باشد [۳۳، ج ۱، ص ۴۹۹؛ ۳۵، ج ۱۲، ص ۴۹؛ ۴۱؛ ۴۹، ص ۸۹]. این سوره متشکل از صد و نود و هفت کلمه [۸، ج ۴، ص ۳۹۰؛ نک: ۳۵، ج ۱۲، ص ۴۹] و به نقل دیگر صد و هفتاد

کلمه و هفتصد و پنجاه و سه حرف است [۱۷، ج ۵۲، ص ۸]. از جمله سور مکی بوده [۱۶، ص ۵۹۰] و در صورت قطعی بودن ترتیب نزول به احتمال قوی بعد از سال دهم بعثت نازل شده است [۴۱، ج ۱۲، ص ۴۹].

۴-۱-۲. غرض سوره نازعات

در مورد غرض هر سوره، مفسران نظرات گوناگونی را ارائه داده‌اند که در ارتباط با این سوره اکثر مفسران هم عقیده بوده و غرض سوره را "وقوع قیامت" دانسته‌اند [نک: ۱۷، ج ۵۲، ص ۷؛ نیز نک: ۲، ج ۳۰، ص ۵۴؛ ۶، ج ۴، ص ۲۷؛ ۱۱، ج ۳، ص ۸۱۵؛ ۱۴، ج ۵، ص ۴۱۰؛ ۱۷، ج ۵۲، ص ۷؛ ۲۶، ج ۳، ص ۵۶۶؛ ۲۷، ج ۲۰، ص ۱۷۸]. سید قطب به زیبایی غرض این سوره را به تصویر می‌کشد و در توصیف آن می‌نویسد: «این سوره از مصادیق سور جزء سی است که می‌خواهد حقیقت آخرت را به انسان بشناساند. پدیدآورنده هول و هراس در انسان است و جدیت و اصالت تقدیر الهی را مطرح می‌کند برای پیدایش عالم مادی انسان، تدبیر عالی برای مراحل این پیدایش و زندگی او بر زمین که عاقبت این نشأت در خانه آخرت است. موسیقی‌های متنوع سوره به قصد آگاهی قلب بشر از این حقیقت هولناک، عظیم اخروی است که بر قلب اصابت می‌کند. ملموسات آن حول حقیقت عظیم قیامت بوده و با موسیقی سوره مرتبط است. لذا آن حقیقت را از طریق حس مطرح می‌کند، تا انسان آن را با هوشیاری و اثرپذیری درک نماید» [۲۲، ج ۶، ص ۳۸۱۱].

قول مفسران مستدل و منطبق با محتوای سوره است؛ بدان جهت که در آن ابتدا گوشه‌ای از نظام خلقت را به تصویر می‌کشاند؛ هنگامی که فرشتگان جان مجرمان را به شدت از بدن‌هایشان بر می‌کشند و روح مؤمنان را با مدارا جدا می‌سازند و در پی آن مسأله قیامت را مطرح می‌کند و آن را ادامه همین زندگی معرفی می‌نماید. این خلقت که خدا شروع نموده، انتهای آن به آخرت می‌انجامد و هر دو به هم متصل هستند. قیامت یک تحول و انتقالی بیش نیست و خداوند آن را خواهد آورد و در وقوع آن هیچ تردیدی نیست [۳۵، ج ۱۲، ص ۵۰]. سپس شبهاتی از کفار در زمینه قیامت نقل می‌کند که می‌گویند: آیا هنگامی که استخوان‌های پوسیده‌ای شدید به زندگی مجدد باز می‌گردیم؟ و پیش از پاسخ به آنان از حیث انداز، ابتدا عینیت تاریخی فرعون و حضرت موسی (ع) را به عنوان نمونه‌ای از طاغوت‌هایی که در برابر پیامبران ایستاده و هلاک

شدند، در معرض نمایش می‌گذارد و بعد به قدرت و توانایی نامنتهای خداوند سبحان استناد می‌نماید و مظاهر قدرتش در خلقت آسمان‌ها، زمین و سایر عجایب خلقت را به تصویر می‌کشد، از این رو، به وجود آورنده این نظام، قادر است خلقت را در شکل و قالب دیگری به وجود آورده و آن را تداوم بخشد [۳۵، ج ۱۲، ص ۵۰].

با استناد به فحوای کلام سوره و سخن مفسران، سوره به دنبال "اثبات وقوع قیامت" است و اثبات وقوع قیامت غرض اصلی آن به شمار می‌آید. علاوه بر این آیات ابتدایی و پایانی هر سوره علاوه بر نقش بلاغی، کاربرد کلیدی در فهم مقاصد و مفاهیم سوره را دارا می‌باشند و یکی از راه‌های به دست آوردن غرض سوره، درک تناسب میان آیات ابتدایی و انتهایی آن می‌باشد [نک: ۳۹، ج ۵، ص ۲۸۹].

۴-۱-۳ تناسب نام و غرض سوره

گروه زیادی از مفسران و قرآن‌پژوهان معتقدند که اسامی سور مانند سایر جنبه‌های آن توقیفی بوده و توسط خداوند انجام گرفته است و نباید تعیین آن‌ها را به کثرت استعمال یا روش عرب واگذاریم و استدلال آنان اهتمام پیامبر اکرم (ص) به کلیه شئون قرآن کریم است؛ ایشان بر این اسامی نظارت داشته و به اقتضای "و ما یَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ / إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ" جز بدانچه رضایت خداوند در آن بوده است، رضایت نمی‌داده است. از این رو، اسامی سوره‌ها نیز یکی از جنبه‌های اعجاز قرآن به شمار می‌آید و بخشی از هدایتگری قرآنی را به عهده دارد که بهتر است در معانی آن‌ها و ارتباطشان با معانی و مقاصد سوره‌ها تفکر کنیم و راز و رمزهای آن‌ها را بگشاییم [۱۳، ص ۱۲۶-۱۳۰]. حال در ارتباط با سوره مورد بررسی که در قرآن کنونی و اکثر کتاب‌های تفسیری دارای عنوان "نازعات" است [۲۷، ج ۲۰، ص ۱۷۷؛ ۲۸، ج ۱۰، ص ۶۵۰]. این لفظ تنها در این سوره آمده، لذا آن را اسم علم برای آن دانسته‌اند و این نام از اولین کلمه سوره برگرفته شده که بر فرشتگان مرگ اطلاق می‌شود. بخاری در صحیح خود از آن با عنوان "و النازعات" یاد نموده است [۷، ص ۱۸۹۳]. از آنجایی که دو لفظ "الطامه، الساهره" نیز در غیر این سوره نیامده است، از این رو، برخی هر کدام از این دو لفظ را به عنوان نام سوره قرار داده‌اند [۲۹، ج ۱۵، ص ۲۶۱]. عده‌ای واقع شدن این لفظ - النازعات - را در ابتدای سوره از دلایل وجه تسمیه آن برشمرده‌اند [۱۸، ج ۳۰، ص ۳۴؛ ۳۰، ج ۱۰، ص ۳۷۰]. شیخلی از علمای اهل تسنن در وجه تسمیه آن گفته است: «خداوند متعال یکی از سور قرآن را به قصد اکرام ملائکه مطهر "النازعات" نام نهاده است و این لفظ یک مرتبه در این سوره به کار برده شده است» [۲۵، ج ۱۰، ص ۴۸۳]. برای یافتن وجه تسمیه سوره

لازم است، ابتدا این واژه از حیث لغوی مورد بررسی واقع گردد؛ از این رو، نازعات از ریشه "نزع" دارای معانی ذیل است:

الف. بر کردن، کشیدن، که در اعراض نیز به کار می‌رود [۱۵، ۷۹۸؛ نیز نک: ۳۸، ج ۱۲، ص ۸۶].

ب. جذب کردن چیزی و ریشه‌کن نمودن آن از جایگاهش، مصادیق آن عبارت است از: سلطانی که کارگزار خود را از مقامش خلع و برکنار نماید و گرفتن حیات بیماری که در شرف مرگ قرار دارد [همانجا].

صاحب‌المیزان مراد از نازعات را فرشتگانی می‌داند که جان انسان را هنگام مردن، می‌ستانند [۲۷، ج ۲۰، ص ۱۷۹].

چه بسا تناسب میان غرض سوره "وقوع قیامت" و نام آن "نازعات" را این چنین بتوان تحلیل نمود که:

"قیامت" اتفاقی است که به واسطه آن نظام کنونی جهان برکنده شده و نظام جدید بر آن حکم‌فرما می‌گردد، بدون آنکه قدرتی، توان مقابله با آن را داشته باشد و به صورت دفعی و ناگهانی واقع می‌شود. لفظ "نازعات" دلالت بر فرشتگانی دارد که جان انسان‌ها را از بدن‌هایشان می‌ستانند و انسان‌ها در آن موقعیت، توان مقابله با آنان را ندارند، تا قادر به ادامه حیات باشند و لحظه مرگ هر فرد نیز امری نامعلوم است و به صورت ناگهانی و دفعی رخ می‌دهد. از آن جایی که هر انسانی لحظات جان دادن سایرین را نظاره‌گر بوده است، وصف دفعی و ناگهانی حادثه‌ای در این واقعه را به خوبی درک می‌نماید. از این رو، به دلیل ملموس بودن امر مرگ، لفظ نازعات به صورت نماد، و سمبلی از غرض اصلی سوره به عنوان نام سوره، منتخب شده است، تا قابلیت درک وقوع قیامت را القاء نماید. بنابراین هم نام سوره و هم غرض آن بر اتفاقی حتمی و دفعی دلالت دارند و همین امر وجه تناسب آن‌ها به شمار می‌آید و چه بسا این وجه تناسب دلالت بر توقیفی بودن نام سوره نیز داشته باشد.

۴-۱-۴ تناسب آیات ابتدایی و انتهایی

علمای علم بلاغت از دیر باز حسن مطلع و حسن ختام در هر سوره را از محسنات بدیع قرآن و ارکان مهم بلاغت قرآن به شمار آورده‌اند. قرآن کریم در تمامی سوره‌ها و آیاتش، به بهترین وجه از چنین نظم و هماهنگی برخوردار است؛ به طوری که تمام سوره‌ها، مشتمل بر بهترین مبادی و بالاترین و برترین خواتیم است. لذا باید در این زمینه مقاصد و اهداف بزرگی باشد که این دو حسن و زیبایی (تناسب فواتح و خواتیم سور) را به هم

پیوند داده تا کمال اتصال را به آن ببخشد و همراه آن دو نظم‌ی شگفت‌انگیز بین تمام اعضاء، کلمات و حروف هر سوره استوار باشد [۴۰، ج ۳۱، ص ۱۰۷]. وجه تناسب آیات ابتدایی و انتهایی این سوره عبارت است از: آیات ابتدایی سوره نازعات از وقوع قیامت و برانگیخته شدن سخن می‌گوید؛ بدان جهت که می‌فرماید: "وَ النَّازِعَاتِ غَرْقًا وَ النَّاسِطَاتِ نَشْطًا وَ السَّابِحَاتِ سَبْحًا فَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا" (النازعات: ۱-۵). در عین اختلاف مفسرین در این آیات، با این حال اتفاق بر این امر دارند که این پنج آیه، پنج سوگند خداوند متعال است که جواب قسم آن "لَتُبْعَثَنَّ" محذوف است؛ بدین معنا که سوگند به این نام‌برده‌ها شما قطعاً مبعوث می‌شوید [۲۷، ج ۲۰، ص ۱۷۹]. و آیات انتهایی "يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا ... كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا" (النازعات: ۴۲-۴۶)، نیز سخن از قیامت به میان است. از این رو، هر دو دسته از آیات از قیامت سخن به میان می‌آورند و یک مفهوم را در بر دارند، لذا متناسب با یکدیگر می‌باشند و دلالت بر تناسب و تطابق آن‌ها با غرض سوره -وقوع قیامت- دارد.

۴-۱-۵. تناسب معنایی آیات با محوریت غرض سوره

سوره نازعات با محوریت غرض آن - وقوع قیامت - به چهار بخش کلی تقسیم می‌شود؛ از این رو، برای به تصویر کشاندن پیوستگی سوره، لازم است، تناسب در هر جزء از هر بخش و تناسب میان هر یک از این بخش‌ها، به نمایش گزارده شود.

۴-۱-۵-۱. بخش اول سوره تأکید بر بعث (آیات ۱-۱۴)

اولین بخش سوره که شامل آیه اول تا انتهای آیه چهاردهم است، بر بعث اصرار می‌ورزد. کلام با سوگندهای متعدد آغاز شده که این سوگندها اوصافی است، منطبق بر صفات ملائکه در فرمانبری آنان در اوامری که از ساحت مقدس الهی مربوط به تدبیر امور عالم ماده بر آنان صادر می‌گردد و ملائکه به تدبیر امور به اذن خداوند متعال قیام می‌کنند. لذا سوگندهای پنج‌گانه، دلالت بر وظایف ملائکه هنگام ستاندن جان انسان‌ها، اجرای فرامین حق و تدبیر امور آفرینش دارند. پس ملائکه جز وساطت بین خدای تعالی و بین خلق او و اجرای دستورات او در بین خلق، وظیفه و کاری ندارند و حالاتی که در هنگام انجام مأموریت دارا هستند، از لحظه‌ای که شروع به نزول می‌نمایند تا آخرین حالتی که در تدبیر امری از امور عالم ماده دارند، این تدبیر ملکوتی حجتی بر مسأله جزاء و بعث به شمار می‌آید [۲۷، ج ۲۰، ص ۱۸۱-۱۸۲-۱۸۳]. هدف از این سوگندها بیان حقانیت و تحقق مسأله معاد و رستاخیز است که به علت افزودن بر عظمت شأن آن جواب سوگند،

محدوف است [۲۷، ج ۲۰، ص ۱۸۵؛ ۲۸، ج ۱۰، ص ۶۵۳؛ ۴۲، ج ۲۶، ص ۷۴ و ۷۹]. گویی اطلاعی مبهم و پیچیده فراهم می‌آورد که این ابهام، ترس، دلهره و حدس را در او بر می‌انگیزاند؛ توأم با ریتم موسیقی لرزان و نفس بریده و به دنبال این مقدمه مبهم و رعب‌آور، صحنه اول از صحنه‌های آن روز را به تصویر می‌کشاند: "يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ" (النازعات: ۶) - روزی که لرزاننده، همه چیز را به شدت بلرزاند - لرزش و اضطراب زمین و ویرانی و خرابی هر آنچه در آن است که از پس صیحه نخستین صحنه قیامت واقع می‌گردد، سپس دومین صحنه قیامت را که در پی نخستین اتفاق آن رخ می‌دهد، توصیف می‌کند: "تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ" (النازعات: ۷) - در حالی که لرزاننده دیگری از پی آن درآید - صیحه دوم که نفخه حیات و رستاخیز و بازگشت به زندگی جدید است [۲۲، ج ۶، ص ۳۸۱۲؛ ۳۶، ج ۱۷، ص ۲۹۰؛ ۴۱، ج ۷، ص ۵۰۷]، به دنبال آن احوال انسان‌ها را در آن روز بیان می‌کند: "قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ" (النازعات: ۸) - دل‌هایی در آن روز سخت هراسان است - نبض قلوب فجار به شدت می‌تپد، درک آنان از قیامت به مانند عذاب دردناک است. از این رو، غالب تهی می‌کنند، در حالی که هیچ راه فراری از اوضاع هولناک قیامت ندارند و فرصت خویش را در دنیا ضایع کرده و هیچ چیز را برای نجات خود ذخیره ننموده‌اند [۳۶، ج ۱۷، ص ۲۹۰؛ نک: ۴۱، ج ۷، ص ۵۰۷]. اضطراب درونی مجرمان به قدری شدید است که آثارش در چشمان صاحبان قلب‌های ترسان ظهور دارد: "أَبْصَارُهَا خَاشِعَةٌ" (النازعات: ۹) - دیدگان صاحب آن دل‌ها از شرم افتاده باشد - علت انتساب خشوع بر ابصار واضح‌تر بودن اثر ظاهری خشوع در چشم از سایر اعضاء است [نک: ۲۷، ج ۲۰، ص ۱۸۵؛ ۴۱، ج ۷، ص ۵۰۸؛ ۴۲، ج ۲۶، ص ۸۳-۸۴]. در پی حوادث قیامت به حکایت عکس‌العمل کافران هنگام شنیدن خبر قیامت در دنیا می‌پردازد: "يَقُولُونَ أَإِنَّا لَمَرْدُودُونَ فِي الْحَافِرَةِ" (النازعات: ۱۰)؛ می‌گویند: «آیا ما پس از مرگ به همان حالت اول که در دنیا بودیم بازگردانده می‌شویم»؟ آیه می‌خواهد اشاره کند به این مطلب که کسانی در قیامت قلوبشان اضطراب و دیدگانشان خشوع دارد که در دنیا بعث را منکر بودند و تا در دنیا بودند چنین و چنان می‌گفتند. "أُ إِذَا كُنَّا عِظَامًا نَخِرَةً" (النازعات: ۱۱)؛ بعد از آن که استخوان‌هایی پوسیده شدیم. این همان مسأله‌ای است که همواره منکران معاد در دنیا بدان استدلال می‌کردند و به تمسخر می‌گفتند: «قَالُوا تِلْكَ إِذًا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ» (النازعات: ۱۲) در این صورت ما در قیامت زیانکارترین مردم هستیم [۲۷، ج ۲۰، ص ۱۸۵؛ نک: ۳۶، ج ۱۷، ص ۲۹۱؛ ۴۲، ج ۲۶، ص ۸۴]. در پاسخ به استبعاد کفار که حیات مجدد را امری غیر ممکن می‌انگاشتند، می‌فرماید: «فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ» (النازعات: ۱۳-۱۴)؛ بعث بر من سهل و آسان است و تنها یک صیحه از اسرافیل سبب می‌گردد،

مردگانی که در دل خاک هستند، آنرا شنیده و حیات دوباره یابند و ناگهان همه مردگان، روی زمین قرار می‌گیرند [۲۸، ج ۱۰، ص ۶۵۴؛ نک: ۲۰، ج ۳۱، ص ۳۷].

۴-۵-۱-۲ بخش دوم سوره هشدار به کافران و وجوب اجابت رسولان (آیات ۱۵-۲۶)

آیات پانزدهم تا انتهای آیه بیست و ششم، بخش دوم سوره را شامل می‌شود که کافران را مورد هشدار قرار داده و وجوب اجابت رسولان را متذکر می‌گردد. آیات این بخش با غرض سوره متناسب است؛ بدان جهت که در ابتدای این بخش رسول خدا (ص) را مورد خطاب قرار داده است، تا تسلی خاطر برای ایشان و اندازی برای منکرین باشد و داستان حضرت موسی (ع) را به اختصار و متناسب با فحوای کلام ارائه می‌دهد؛ لذا به رسالت ایشان در سرزمین مقدس طوی اشاره و مأموریت ایشان در هدایت فرعون را مطرح می‌کند. حضرت موسی (ع) دستور یافت، فرعون را به تزکیه یعنی پاک شدن از طغیان و بازگشت به سوی خداوند فراخواند تا مقدمات معرفی خداوند متعال و ارشاد او به معرفت خداوند فراهم گردد. ایشان به قصد اجابت فرمان الهی نزد فرعون رفت و بزرگترین معجزه خود را در معرض نمایش گذارد، اما فرعون، موسی (ع) و رسالت او را تکذیب کرد و تصمیم به معارضة با او گرفت و ادعای الوهیت نمود و عصیان و سرکشی را به بالاترین حد خود رساند، از آن رو، خداوند او را به عذاب دنیا و آخرت دچار کرد؛ در دنیا او و لشکرش را غرق کرد و در آخرت بعد از مردن، به آتش دوزخ گرفتارش ساخت [۵، ج ۱۵، ص ۲۲۹-۲۳۲؛ ۱۸۷/۲۰-۱۸۹؛ ۲۰، ج ۴، ص ۶۹۵-۶۹۶؛ ۲۷، ج ۲۰، ص ۱۸۷-۱۸۹؛ ۴۱، ج ۷، ص ۵۰۹؛ ۴۲، ج ۲۶، ص ۹۴-۹۵]. این آیات به تدبیر ربوبی که در این عالم ظاهر می‌گردد دلالت دارد و به عنوان حجتی بر مسأله جزاء و بعث به شمار می‌آید [۲۷، ج ۲۰، ص ۱۸۷]. در انتهای این بخش خداوند متعال می‌فرماید: این امر در حکم عبرت برای اهل عبرت است؛ کسانی از خشیت برخوردارند که هدایت یافته‌اند و هدایت یافتگان کسانی هستند که اهل تزکیه‌اند [۳۶، ج ۱۷، ص ۲۹۵]. بیان داستان حضرت موسی (ع) در این بخش، وضع منکران قیامت را تشبیه به فرعون و قوم او می‌نماید و عدم ایمان به قیامت، نپذیرفتن دعوت پیامبران الهی محسوب می‌گردد [۱۲، ج ۱۱، ص ۶۳۶]. به عبارتی در این سوره داستان حضرت موسی (ع) را از حیث عکس‌العمل فرعون نسبت به دعوت فرستاده خداوند که تکذیب و پشت نمودن بدان بود، مطرح نموده و سرانجام او را که، عذاب دنیا و آخرت است به عنوان مصداقی برای تکذیب‌کنندگان قیامت بیان می‌کند؛ لذا این داستان با غرض سوره متناسب است. در عین حال آیات بخش اول سوره با آیات بخش دوم متناسب است؛ بدان جهت که پس از

نمایش صحنه رعب‌انگیز قیامت و پاسخ به شبهات منکران قیامت، عاقبت یکی از طغیانگران تاریخ را به عنوان مصداق و به قصد عبرت و گواه بر قدرت خداوند متعال بر بعث عرضه می‌نماید.

۴-۱-۵-۳. بخش سوم سوره استدلال بر وقوع قیامت (آیات ۲۷-۳۳)

بخش سوم سوره که مشتمل بر آیات بیست و هفتم تا انتهای آیه سی و سوم است، در صدد مستدل کردن وقوع قیامت است. بخش اول، سوره را که وقوع بعث و جزا را مورد تأکید قرار می‌دهد، مستدل می‌سازد؛ از این رو، با بخش اول و دوم که گواهی بر قدرت خداوند بر وقوع قیامت است، متناسب و هم‌راستا است. در حقیقت، سوره نازعات پس از خروج از حوزه تاریخ، برای استدلال بر وقوع قیامت، به سراغ صحنه آفرینش می‌رود تا قدرت، تقدیر و تدبیر الهی موجود در هستی و چیرگی‌اش بر سرنوشت‌ها را در دنیا و آخرت به نمایش گذارد [۲۲، ج ۶، ص ۳۸۱۲]. بدین مقصود در خطابی توییخی به مشرکان و انکارکنندگان قیامت می‌فرماید: «أَأَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ السَّمَاءُ بَنَاهَا ... وَ لِلْأَنْعَامِ كَمِمْ» (النازعات: ۲۷-۳۳) و مصادیقی از مخلوقات خداوند را متذکر می‌گردد، از جمله: برافراشتن آسمان و ترتیب اجزای آن تا هر جزئی بنا بر حکمت الهی در موضع معینی واقع گردد، گسترانیدن زمین و روییدن گیاهان و جوشیدن آب از آن و استواری کوه‌ها بر زمین تا مانع نوسان و اضطراب آن گردند [۲۰، ج ۴، ص ۶۹۷؛ ۲۷، ج ۲۰، ص ۱۸۹-۱۹۱؛ ۳۶، ج ۱۷، ص ۳۰۰]. در پی این مصادیق علت خلقت و تدبیر این امور را متاع برای انسان و چارپایانی که در تسخیر اوست، بیان می‌کند و اسباب معرفت الهی، خوف مقام او و شکر نعمت‌هایش را واجب می‌سازد؛ زیرا تمام این مصادیق دال بر قدرت خداوند بر مسأله معاد و عظمت و نشانه‌های وجود او در مسیر توحید و معرفت به شمار می‌آید [نک: ۱۷، ج ۵۲، ص ۸۱؛ ۲۷، ج ۲۰، ص ۱۹۱؛ ۳۶، ج ۱۷، ص ۳۰۲؛ ۴۲، ج ۲۶، ص ۱۰۲]. بر این اساس تناسب میان آیات بخش سوم سوره با محور اصلی سوره ظاهر می‌گردد.

۴-۱-۵-۴. بخش چهارم سوره قیامت و احوال آن (آیات ۳۴-۴۶)

بخش چهارم و پایانی سوره مشتمل بر آیات سی و چهارم تا انتهای آیه چهل و ششم است که پس از مستدل نمودن حادثه قیامت در بخش سوم، به توصیف این واقعه عظیم می‌پردازد. لذا این بخش نیز با بخش‌های پیشین خود متناسب و مرتبط است. تناسب این بخش با محور سوره را این‌گونه می‌توان توصیف کرد که: در پی استعانت از امور محسوس الهام بخش در استدلال برای معاد باز به صحنه قیامت آن حادثه بزرگ باز می‌گردد و به توصیف احوال انسان در آن روز می‌پردازد؛ ابتدا از قیامت به عنوان وقوع

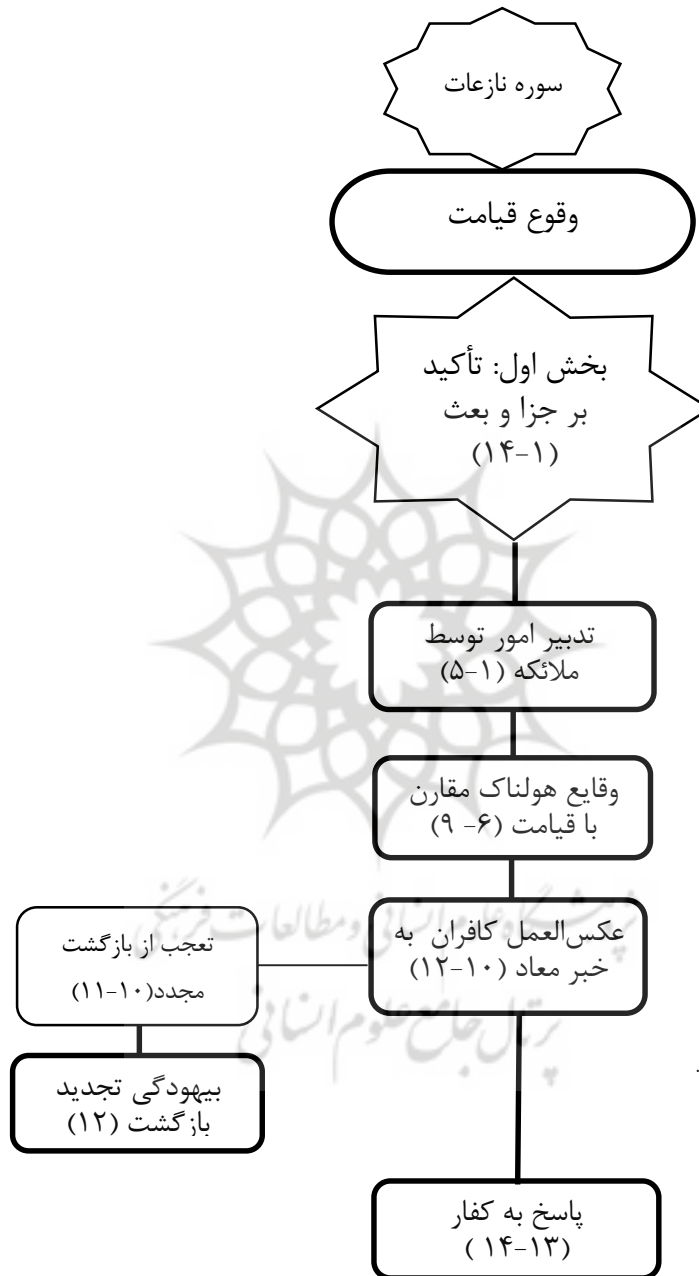
حادثه‌ای بزرگ خبر می‌دهد: "فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَّةُ الْكُبْرَى" (النازعات: ۳۴)، که از هر بلایی عظیم‌تر بوده، واقعه‌ای وراء آن نیست و انسان قادر به دفع آن نمی‌باشد [۲۸، ج ۱۰، ص ۶۶۰؛ نک: ۳۰، ج ۳۱، ص ۴۸؛ ۲۷، ج ۲۰، ص ۱۹۱]. آن روزی است که اعمال انسان پیش‌رویش واقع شده و احدی توان تکذیب و یا فرار از عاقبت اعمال خویش را نخواهد داشت. پرده‌های غفلت از پیش چشم او کنار رفته، لذا بر سر عقل می‌آید و متذکر می‌گردد [نک: ۳۶، ج ۱۷، ص ۳۰۳؛ ۴۱، ج ۷، ص ۵۱۳]؛ "يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَى" (النازعات: ۳۵)؛ اما این تذکر و یادآوری هیچ منفعتی برای او نخواهد داشت و در صورت درخواست بازگشت به دنیا و جبران مافات، جواب رد خواهد شنید. در پی آن از ظهور واضح و بی‌پرده جهنم برای همگان سخن به میان می‌آورد: "وَبُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِمَنْ يَرَى" (النازعات: ۳۶) و جهنم برای هر صاحب چشمی ظاهر می‌شود و از خلقت جهنم پیش از قیامت خبر می‌دهد که در آن روز تنها با کشف‌الغطاء آشکار می‌گردد، در حالی که انسان‌ها نظاره‌گر آن هستند [۲۷، ج ۲۰، ص ۱۹۲؛ ۳۰، ج ۳۱، ص ۴۸؛ ۴۲، ج ۲۶، ص ۱۰۵] و تکذیب‌کنندگان در حسرت عمیق و خوفی توصیف ناشدنی فرو می‌روند [۳۶، ج ۱۷، ص ۳۳]. در این هنگام عواقب و سرنوشت انسان‌ها در دو گروه از یکدیگر متمایز گردیده و نهایت تدبیر و تقدیر در آفرینش نخستین ظاهر می‌گردد [۲۲، ج ۶، ص ۳۸۱۸]. در توصیف اهل جهنم می‌فرماید: «فَأَمَّا مَنْ طَغَى / وَ آثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا / فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى» (النازعات: ۳۷-۳۹)؛ اما کسی که طغیان کرده و زندگی دنیا را ترجیح داد، دوزخ جایش است. طغیانگران، متجاوزانی که از هدایت اعراض و زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح دادند و بدون در نظر گرفتن آخرت فقط برای دنیا عمل نمودند، از این رو، مأوا و جایگاه آنان آتش دوزخ است [۲۲، ج ۶، ص ۳۸۱۸؛ ۲۸، ج ۱۰، ص ۶۶۰]. سپس به ذکر اوصاف بهشتیان می‌پردازد: "وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَ نَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى / فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى" (النازعات: ۴۰-۴۱)؛ و اما کسی که از موقعیت پروردگارش ترسیده و از هوای نفس جلوگیری کرده، بهشت جایگاه اوست. کسی که از مقام پروردگار خویش در خوف است سدی برای طغیان نفس او به شمار می‌آید؛ شهوات دنیوی، آخرت او را تباه نمی‌گرداند و حافظ طبیات او در حیات دنیوی است. چنین کسی در بهشت مأوا می‌یابد [نک: ۳۶، ج ۱۷، ص ۳۰۵؛ ۴۱، ج ۷، ص ۵۱۳]. مشرکان معاند هر زمان که اوصاف قیامت و حوادث مربوط بدان را می‌شنیدند، از رسول اکرم (ص) موعود آن‌را می‌پرسیدند؛ از این رو، در ادامه مطالب خطاب به رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا» (النازعات: ۴۲). در پاسخ به این سؤال مشرکان می‌فرماید: «فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرَاهَا / إِلَى رَبِّكَ مُنْتَهَاهَا» (النازعات: ۴۳-۴۴). مسأله

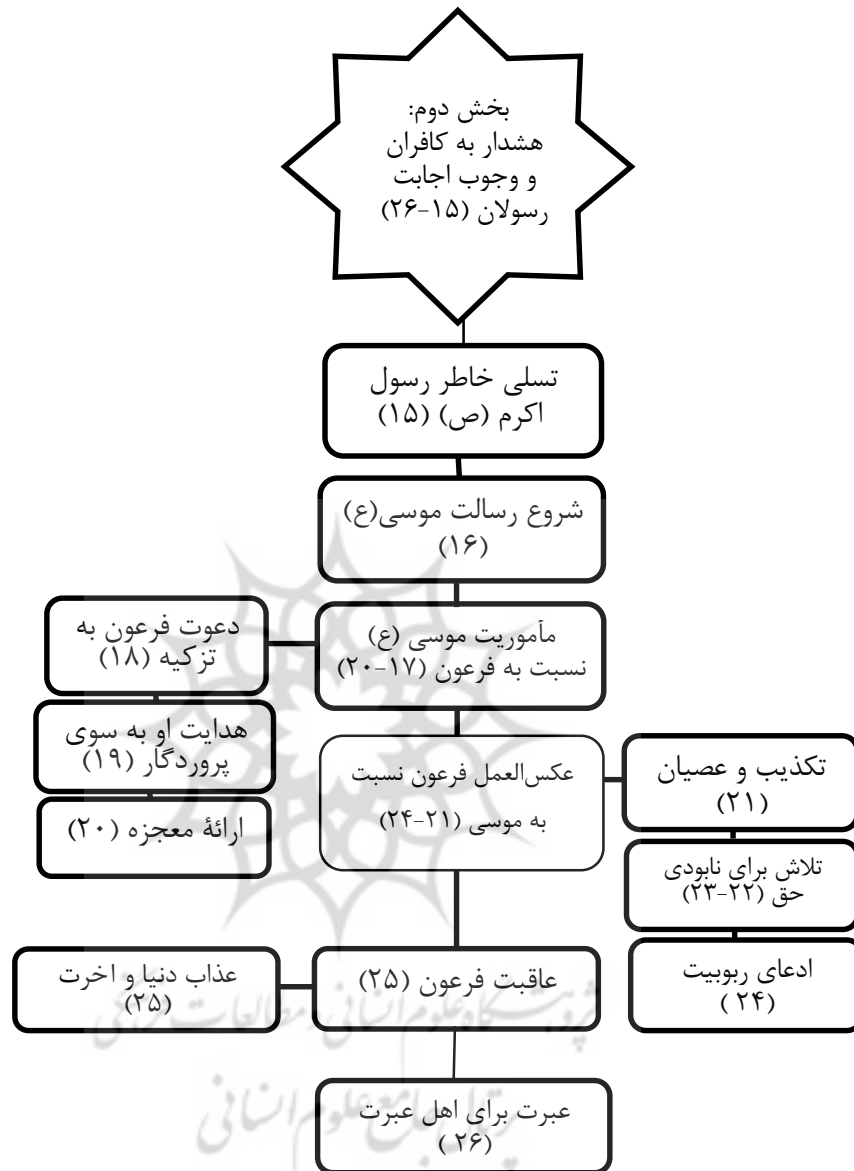
عظیم‌تر از آن است که مورد سؤال واقع شود و امر آن متعلق به خداوند و علم اوست و با این پاسخ عظمت آن را القا می‌نماید و سؤال را نوعی بیهودگی و تجاوز از حد نشان می‌دهد [۱۰، ج ۵، ص ۵۱۵؛ ۲۲، ج ۶، ص ۳۸۱۹؛ ۴۱، ج ۷، ص ۵۱۳]. در پی آن دامنه مسئولیت رسول اکرم (ص) را معین می‌نماید، می‌فرماید: «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ مَّنْ يَخْشَاهَا» (النازعات: ۴۵). مسئولیت ایشان را منحصر نموده، در انداز کسانی که در خوف از قیامت هستند و علم به وقت قیامت را از ایشان نفی نموده است [نک: ۱۰، ج ۵، ص ۵۱۵؛ ۲۲، ج ۶، ص ۳۸۲۰؛ ۲۷، ج ۲۰، ص ۱۹۷]. پس از تأثیر عظمت قیامت در احساسات و تصورات انسان، عدم فاصله زیاد تا قیامت را اعلام می‌کند، می‌فرماید: «كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا» (النازعات: ۴۶). در قالب یک تمثیل و تشبیه، نزدیکی قیامت به حیات دنیوی را به مانند گذشتن یک شب و یا یک نصف روز از مردن آنان توصیف می‌کند [نک: ۲۷، ج ۲۰، ص ۱۹۷]. تأثیر آن در نفس به حدی است که زندگی دنیا با تمام حوادث و خوشی‌هایش در مقابل آن رنگ باخته، بی‌اهمیت جلوه می‌کند و زندگی دنیا که اهلش بر سر آن اختلاف داشته و آنرا ترجیح می‌دادند، درهم پیچیده شده و از میان می‌رود [۲۲، ج ۶، ص ۳۸۲۰؛ ۴۱، ج ۷، ص ۵۱۳]. بنابراین انسان متذکر می‌گردد که عمر او در دنیا چند صباحی بیش نیست و اگر در آن دچار کوتاهی گردد و اسباب لازم برای آن روز هولناک را فراهم نیاورد، مرتکب تقصیری عظیم گردیده است [نک: ۳۶، ج ۱۷، ص ۳۰۹].

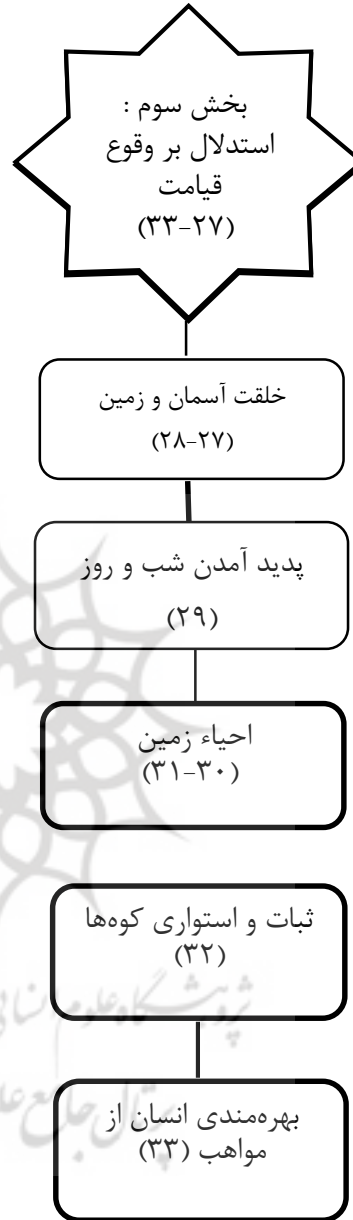
بخش چهارم این سوره که احوالات قیامت را ذکر می‌کند، از جمله: واقعه‌ای بزرگ عظیم‌تر از هر بلایی، عدم توانایی تقابل بشر با آن، روبرو شدن انسان با اعمالش و عدم توانایی او در تکذیب یا فرار از آنها، کنار رفتن پرده غفلت از پیش چشم انسان و متذکر و عاقل شدن او، درخواست انسان به بازگشت به دنیا برای جبران، آشکار شدن جهنم برای همگان، حسرت عمیق و خوفی غیر قابل توصیف برای تکذیب‌کنندگان، تقسیم انسان‌ها به دو گروه، توصیف طغیانگران، توصیف اوضاع بهشتیان و ... ، دلالت بر تناسب و مرتبط بودن آیات این بخش با یکدیگر دارد.

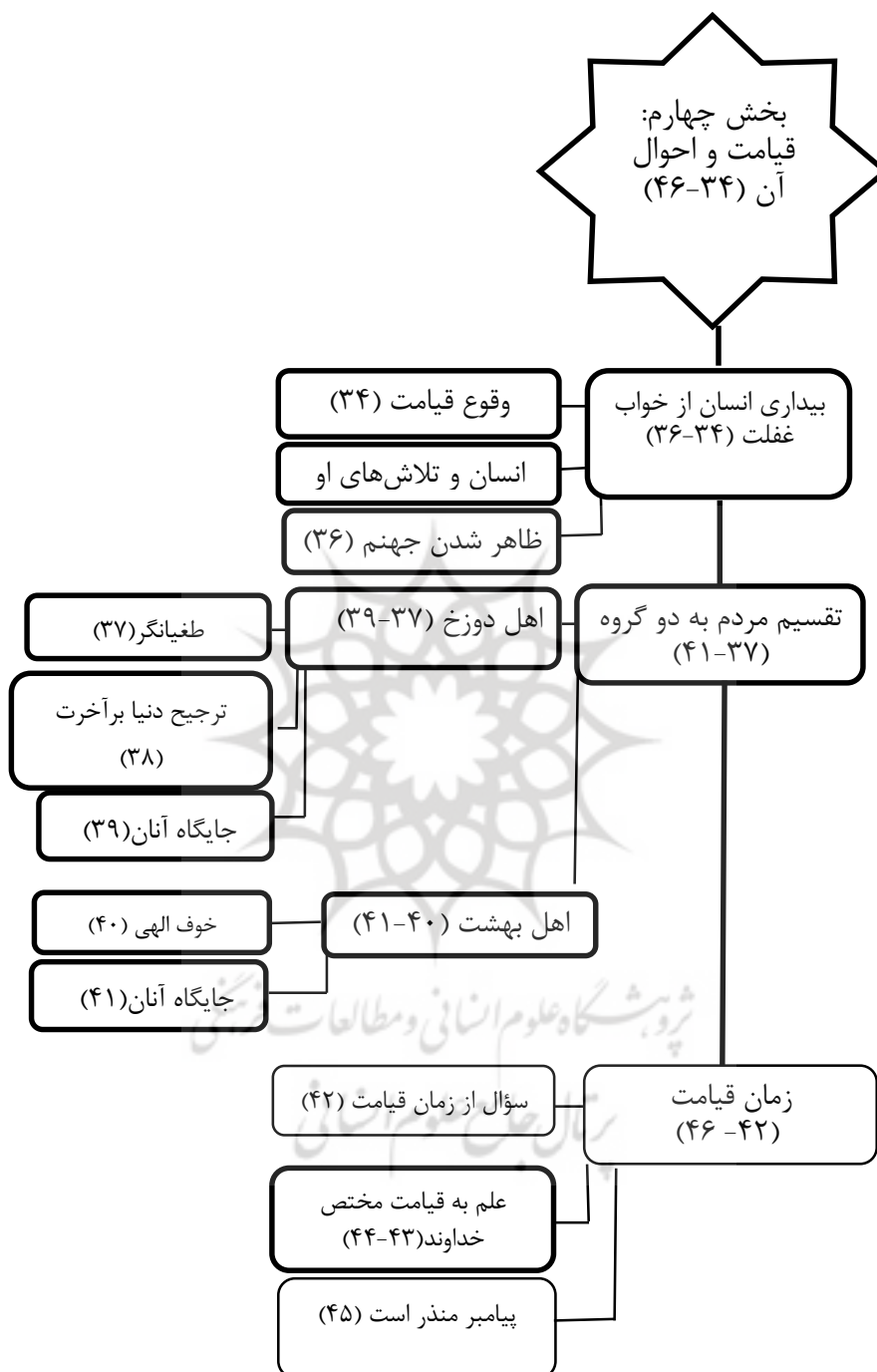
با توجه به این که جزء به جزء هر بخش نیز با یکدیگر متناسب هستند و از طرفی هر بخش با بخش دیگر متناسب است و هر بخش به گونه‌ای بخش دیگر را تبیین و توصیف می‌کند لذا تمام آیات سوره نازعات با یکدیگر متناسب و مرتبط هستند و هیچ گسستگی در محتوای سوره وجود ندارد.

۲-۴. نمودار محتوایی سوره نازعات









نتیجه

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت: سوره نازعات براساس ساختار هندسی به دو طریق نمودار درختی و محتوایی قابل تفکیک است:

نمودار درختی سوره، مشتمل بر بیان ویژگی‌ها، غرض، تناسب نام و غرض، تناسب آیات ابتدایی و انتهایی با محوریت غرض سوره است. غرض اصلی سوره نازعات "وقوع قیامت" است؛ به گونه‌ای که محتوای آن، این واقعه را ادامه خلقت جهان به عنوان یک انتقال و تحول معرفی نموده که به آخرت می‌انجامد و این واقعه بی‌تردید رخ خواهد داد. از این رو، برای رسیدن به این غرض، آیات نخستین را با سوگند های پی در پی آغاز می‌نماید، تا اسباب معرفت الهی، خوف مقام او و شکر نعمت‌هایش را فراهم آورد و با توصیف قدرت بی‌بدیل خداوند، فاعلیت او بر وقوع قیامت را به اثبات رساند. سپس برای دفع شبهات وارده در این زمینه و اسباب عبرت برای اهل خشیت هستند و تأکید بر قدرت خداوند بر وقوع قیامت به داستان عصیان و سرکشی فرعون از اوامر هدایت‌کننده حضرت موسی (ع) می‌پردازد که عاقبت، او را آتش دوزخ فرا گرفت. از طرفی با استناد به قدرت و توانایی نامنتهای خداوند سبحان، خلقت در شکل و قالب دیگر را امکان‌پذیر بر می‌شمارد. آیات پس از خروج از حوزه تاریخ، بار دیگر برای اثبات قیامت به استدلال می‌پردازد و در این استدلال از آفرینش جهان هستی بهره می‌گیرد و آفرینش آن را از خلقت مجدد انسان سخت‌تر بر می‌شمارد. سپس صحنه قیامت و احوال انسان‌ها را در آن روز ترسیم می‌نماید. واقعه‌ای که انسان قادر به دفع آن نمی‌باشد و انسان خود را حاضر و ناظر بر اعمال و رفتار خود در دنیا می‌بیند؛ به گونه‌ای که هیچ راه‌گریزی از آن ندارد. مأوا و جایگاه طغیانگران از هدایت الهی را آتش دوزخ و مأوا و جایگاه کسانی که در مقام خوف از پروردگار خویش بودند را بهشت معرفی می‌نماید. هر مطلب مذکور در سوره، در پی اكمال نمودن مطلب ماقبل خود و تبیین بیشتر غرض سوره می‌باشد که دلالت‌کننده بر تناسب معنایی در سوره با محوریت غرض است؛ به عبارتی سوره دارای وحدت موضوعی می‌باشد.

داستان حضرت موسی (ع)، در سوره متعدد مطرح گردیده و در هر سوره به وجهی از وجوه آن اشاره دارد. در این سوره عصیان‌گری و طغیان فرعون در برابر هدایت الهی را مطرح می‌کند که سرانجام عذاب دنیا و آخرت نصیب او گردید که به عنوان عبرتی برای تکذیب‌کنندگان قیامت مطرح شده است و این وجه از داستان نیز متناسب با غرض

سوره می‌باشد. لذا یکی از راه‌های یافتن غرض سوره توجه به داستان‌های مطرح شده در آن سوره است.

نام سوره "نازعات" از اولین کلمه آن گرفته شده است و با توقیفی دانستن اسامی سوره‌ها، وجه تناسب نام این سوره با غرض آن، وقوع حادثه‌های دفعی و حتمی است؛ به عبارتی امر قیامت، خود حادثه‌ای دفعی و ناگهانی است؛ از طرفی لفظ نازعات، دلالت بر فرشتگانی دارد که جان انسان‌ها را از بدن‌هایشان می‌ستانند و بر حادثه ناگهانی مرگ دلالت دارد.

از دیگر نتایج به دست آمده تناسب آیات ابتدایی و انتهایی سوره با یکدیگر؛ و به عبارتی حسن مطلع و حسن ختام است که این نوع از تناسب از ارکان مهم بلاغت و از شروط اصلی آن به شمار می‌آید. هر دو دسته از آیات این سوره، یک موضوع را مطرح و از قیامت سخن به میان آورده‌اند که در عین حال، این وجه تناسب، با غرض سوره نیز متناسب می‌باشد و یکی از راه‌های به دست آوردن غرض سوره، به دست آوردن این نوع از تناسب است.

منابع

- [۱]. قرآن کریم.
- [۲]. ابن عاشور، محمدبن طاهر (۴). تحریرالتنویر. چاپ اول، بیروت، مؤسسه التاريخ.
- [۳]. ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت، دارصادر.
- [۴]. ابازی، سید محمد علی (۱۳۸۰). چهره پیوسته قرآن. تهران، نشر هستی‌نما.
- [۵]. آلوسی، سیدمحمود (۱۴۱۵). روح المعانی فی التفسیر القرآن. چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- [۶]. بازرگان، عبدالعلی (۱۳۷۴). نظم القرآن. تهران، انتشارات قلم.
- [۷]. بخاری جعفری، ابی عبدالله محمدبن اسماعیل (۱۴۱۰). صحیح بخاری. دمشق، دار ابن کثیر.
- [۸]. بغدادی، علاءالدین علی بن محمد (۱۴۱۵). لباب التأویل فی معانی التنزیل. چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- [۹]. بلاشر (۱۳۷۴). در آستان قرآن. مترجم: محمود رامیار، چاپ چهارم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- [۱۰]. جزایری، ابوبکر جابر (۱۴۱۶). ایسراف التفسیر لکلام العلی الکبیر. چاپ اول، مدینه، مکتبه العلوم و الحکیم.
- [۱۱]. حجازی، محمد محمود (۱۴۱۳). تفسیرالواضح. چاپ دهم، بیروت، دارالجلیل الجدید.
- [۱۲]. حوی، سعید (۱۴۲۴). الأساس فی التفسیر. چاپ ششم، قاهره، دارالسلام.
- [۱۳]. خامه‌گر، محمد (۱۳۸۶). ساختار هندسی سوره‌های قرآن. چاپ دوم، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- [۱۴]. دروزه، محمد عزت (۱۳۸۳). تفسیرالحدیث. چاپ دوم، قاهره، دارالإحیاء الکتب العربیه.
- [۱۵]. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). مفردات الفاظ القرآن. بیروت، دارالقلم.
- [۱۶]. رامیار. محمود (۱۳۶۹). تاریخ قرآن. چاپ سوم، تهران، امیرکبیر.

- [۱۷]. رستکار جویباری، یعسوب الدین (۱۴۰۳). تفسیر البصائر. قم، (۴).
- [۱۸]. زحیلی، وهبه بن مصطفى (۱۴۱۸). المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج. چاپ دوم، بیروت - دمشق، دارالفکر المعاصر.
- [۱۹]. زرکشی، محمدبن عبدالله (۱۴۱۰). البرهان فی العلوم القرآن. چاپ اول، بیروت، دارالمعرفه.
- [۲۰]. زمخشری، محمود (۱۴۰۷). الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل. چاپ سوم، بیروت، دارالکتب العربی.
- [۲۱]. سیوطی، جلال الدین (۱۴۲۱). الاتقان فی العلوم القرآن. چاپ دوم، بیروت، دارالکتب العربی.
- [۲۲]. شاذلی، سید بن قطب (۱۴۱۲). فی ظلال القرآن. چاپ هفدهم، بیروت، دارالشروق.
- [۲۳]. _____ (۴). آفرینش های هنری در قرآن، (۴).
- [۲۴]. شحاته، عبدالله محمود (۱۳۶۳). درآمدی بر تحقیق اهداف و مقاصد سوره های قرآن کریم، مترجم: محمدباقر حجتی، تهران، نشر فرهنگ اسلامی.
- [۲۵]. شیخلی، بهجت عبدالواحد (۱۴۲۷). اعراب القرآن الکریم، چاپ اول، بیروت، دارالفکر.
- [۲۶]. صابونی، محمد علی (۱۴۲۱). صفوه التفاسیر تفسیر للقرآن الکریم. چاپ اول، بیروت، دارالفکر.
- [۲۷]. طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن. چاپ پنجم، قم، انتشارات اسلامی.
- [۲۸]. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. چاپ سوم، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
- [۲۹]. طنطاوی، سید محمد (۴). التفسیر الوسیط للقرآن الکریم. چاپ اول، قاهره.
- [۳۰]. فخررازی، محمدبن عمر (۱۴۲۰). مفاتیح الغیب. چاپ سوم، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- [۳۱]. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹). العین. قم، نشر هجرت.
- [۳۲]. فقهی زاده، عبدالهادی (۱۳۷۴). پژوهشی در نظم قرآن. چاپ اول، تهران، جهاددانشگاهی.
- [۳۳]. فیروزآبادی، مجدالدین محمدبن یعقوب (۴). بصائر ذوی التمییز فی لطائف الکتب العزیز.
- [۳۴]. قرائتی، محسن (۱۳۸۳). تفسیر نور. چاپ یازدهم، تهران، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.
- [۳۵]. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۷). احسن الحدیث. چاپ سوم، تهران، بنیاد بعثت.
- [۳۶]. مدرسی، سید محمد تقی (۱۴۱۹). من هدی القرآن. چاپ اول، تهران، دارالمجتبی.
- [۳۷]. مسلم، مصطفی (۱۴۲۶). مباحث فی التفسیر الموضوعی. دمشق، دارالقلم.
- [۳۸]. مصطفوی، حسن (۱۴۳۰). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. بیروت، دارالکتب العلمیه.
- [۳۹]. معرفت، محمدهادی (۱۳۷۹). علوم قرآنی. تهران، سمت.
- [۴۰]. _____ (۱۳۷۳). تناسب آیات. مترجم: عزت الله مولایی نیا همدانی، قم، بنیاد معارف اسلامی.
- [۴۱]. مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴). تفسیر الکاشف. تهران، دارالکتب الإسلامیه.
- [۴۲]. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. چاپ اول، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
- [۴۳]. موسوی همدانی. سید محمد باقر (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- [۴۴]. هاشم زاده هریسی، هاشم (۱۴۲۰). شناخت سوره های قرآن مجید. تهران.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی